

بررسی نگرش کشاورزان به طرح یکپارچه سازی اراضی در شالیزارهای مازندران

((مطالعه موردی روستای گلیرد شهرستان جویبار))

*محمد علی آشکار آهنگرکلایی

**حسن اسدیپور

**عباس علیپور

چکیده :

مالکیت های کوچک، قطعات نامنظم و ناهموار و نداشتن جاده های دسترسی و کانال های آبیاری و زهکشی مناسب، مشکلات عمده ای را بر سر راه تولید برنج در استان مازندران قرار داده است، به منظور افزایش راندمان تولید برنج، مکانیزه کردن کشت، امکان کشت دوم، بهبود حفاظت خاک و مدیریت مزرعه، ارتقاء وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه کشاورزی و نهایتاً افزایش بهره وری، از سال ۱۳۷۰ طرح یکپارچه سازی و تجهیز و نوسازی اراضی در شالیزارهای سنتی مازندران بطور جدی آغاز شده است.

این طرح تا پایان سال ۱۳۸۳ در مساحتی حدود ۳۱۰۰۰ هکتار از اراضی سنتی شالیزارهای استان به اجراء درآمده است، اما اجرای این طرحها با موانع و تنگناهایی مواجه بوده است که از اهم آن می توان به مشکلات فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، مالکیت، فرم استقرار اراضی پس از اجرای طرح، مشارکت کشاورزان، مشکلات فنی و اجرایی و مشکلات ساختار قانونی اشاره کرد.

در این تحقیق سعی شده است تاثیرگذاری این عوامل بر طرح یکپارچه سازی اراضی مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور روستای گلیرد واقع در شهرستان جویبار با دارا بودن حدود ۵۰۰ هکتار اراضی زیر کشت برنج که طرح یکپارچه سازی اراضی در سطح ۲۶۵ هکتار از اراضی آن در سال ۸۲ به اجراء درآمده است، به عنوان منطقه تحقیق انتخاب شده است. روش کار بصورت پیمایشی (میدانی) بوده و برای اخذ اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است و بطور تصادفی از ۵۰ بهره بردار مصاحبه و اطلاعات لازم جمع آوری شده است.

اطلاعات و داده های بدست آمده با استفاده از تکنیک AHP^۱ که یک روش تجزیه و تحلیل چند معیاره است مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و اولویت بندی میان عوامل محدود کننده صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان داده است که مشکل فرهنگی - اجتماعی در جامعه کشاورزی به عنوان اصلی ترین عامل محدود کننده در مسیر اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی مطرح می باشد.

کلمات کلیدی : یکپارچه سازی، AHP، شالیزار

1) Analytical Hierarchy process

Tel: 01513132820-4

Fax:01513132971

Email:hasadpo@yahoo.com

*کارشناس ارشد تحقیقات مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی مازندران

**اعضای هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی مازندران

مقدمه :

در نظام کشاورزی سنتی، زمین در اختیار هر کشاورز، غالباً بصورت قطعات پراکنده می باشد. چنین آرایشی از اراضی (تعداد قطعات و پراکنش نامنظم) در نظام سنتی را شاید بتوان حتی یک فرصت و عامل موثر در شکل گیری کارکردهای مثبت آن نظام نیز به شمار آورد (Gajendra, S. 2005).

با شکل گیری نظام های جدید تولید در بخش کشاورزی و بکارگیری تکنولوژی و مکانیزه کردن مراحل مختلف فرآیند تولید کشاورزی (کاشت، داشت و برداشت)، پراکندگی نامنظم قطعات به عنوان یک عامل بازدارنده در توسعه این بخش قلمداد گردیده است که کاهش بهره وری و افزایش هزینه های تولید را به همراه داشته است. (توسلی ، محمد رضا ۱۳۷۸).

از آنجا که مسأله پراکنش قطعات کشاورزی مختص کشور ما نبوده و در نظام زمین داری اکثر کشورها با نسبت های متفاوت به چشم می خورد، کشورهای توسعه یافته همگام با توسعه در سایر بخش های اقتصادی، به امر توسعه در زیر ساخت های کشاورزی نیز توجه خاص داشته و از پیشگامان امر یکپارچه سازی اراضی به شمار می روند.

پیشینه تاریخی این امر به سال ۱۵۵۰ میلادی در جمهوری آلمان برمی گردد و متعاقب آن در کشورهای نظیر لهستان ، چکسلواکی ، ژاپن و ... به اجرا درآمد. (افتخاری ، ۱۳۷۵).

در ایران نیز به علت کوچک بودن مالکیت ها و پراکندگی آن یکپارچه سازی و تجهیز و نوسازی اراضی ضرورتی انکارناپذیر جهت گریز از تهدیدهای موجود بر سر راه تولید برنج مطرح بوده است (منبع شماره ۴).

سابقه طرح " یکپارچه سازی " در اراضی کشاورزی ایران به اواسط دهه ۱۳۴۰ در اراضی مازندران بر می گردد که با ورود کارشناسان چینی تسطیح اراضی در ایستگاه تحقیقات برنج امل و اراضی اطراف و قطعاتی در شهرستان های بابل ، قائم شهر، ساری صورت گرفت. اما توجه به امر یکپارچه سازی اراضی بصورت یک اقدام جدی و به شیوه نوین را می توان در تدوین برنامه پنجساله اول پس از انقلاب مشاهده نمود که حرکتی اساسی در جهت بهبود شرایط و ارتقاء کیفیت زیربنایی در اراضی کشاورزی بوده است.

در این راستا " در طرح یکپارچه سازی و تجهیز و نوسازی اراضی " از سال ۱۳۷۰ در اراضی شالیزاری استان مازندران، شهرستان ساری و در روستای آبدانسر، شکل اجرایی پیدا کرد و با تلاش نهادهای اجرایی و استقبال نسبی کشاورزان رو به گسترش نهاده است.

در حال حاضر این طرح به صورتی فراگیر در اراضی شالیزاری استان مازندران و گیلان در حال اجرا می باشد و در بیش از ۳۱ هزار هکتار از اراضی سنتی کشاورزی استان مازندران به اجرا درآمده است. اما در این مسیر مشکلات و تنگناهای زیادی وجود داشته است که پیشرفت کار یکپارچه سازی

رایا کندی مواجه کرده است در این پژوهش با شناسایی تنگناهای اساسی و دسته بندی آن، درصد اولویت بندی مشکلات موجود بر سر راه اجرای طرح یکپارچه سازی در منطقه مازندران از دیدگاه کشاورزان مشمول طرح می باشیم تا بتوان با شناخت دقیق اولویت بندی موانع و تصمیمات آگاهانه در قالب پیشنهادات اجرایی و موثر گامی در جهت توسعه کشاورزی منطقه برداشته شود.

موقعیت محل اجرای پژوهش

این پژوهش در روستای "گلیرد" از توابع شهرستان جویبار در استان مازندران انجام شده است. «گلیرد» با ۱۴۵۸ نفر جمعیت و ۳۹۵ خانوار در ۶ کیلومتری شرق شهرستان جویبار واقع شده است. منطقه دارای آب و هوای معتدل و مرطوب با متوسط حداقل دمای ۱ درجه و حداکثر ۳۳ درجه سانتی گراد و متوسط بارندگی ۶۰۰ میلیمتر در سال می باشد.

منابع آب کشاورزی در گلیرد از طریق رودخانه تجن و چشمه یاقچه و چاههای دستی و نیمه عمیق و عمیق می باشد. از نظر خاکشناسی منطقه دارای خاک رسی- شنی می باشد.

کل سطح زیر کشت (اراضی کشاورزی) روستای گلیرد ۸۳۳۱ هکتار می باشد که ۶۲۰ هکتار آن به کشت برنج اختصاص دارد. متوسط مالکیت اراضی شالیزاری در این روستا ۰/۷۲ هکتار می باشد. طرح یکپارچه سازی اراضی در این روستا از سال ۸۲-۸۱ و در سه فاز به اجرا درآمده است. فاز اصلی در ۲۶۵ هکتار از اراضی شالیزاری سنتی با ۳۶۵ بهره بردار به اجرا درآمده است که تعداد قطعات اراضی از ۶۷۲ قطعه قبل از اجرای طرح به ۴۴۳ قطعه بعد از اجرا کاهش داشته است. در حال حاضر طرح یکپارچه سازی در بیش از ۹۰ درصد اراضی روستا (۵/۵ هکتار) به اجرا درآمده است. دلایل انتخاب این روستا به عنوان محل تحقیق عبارتند از

۱- اجرای تقریباً کامل طرح یکپارچه سازی اراضی و مشاهده نتایج آن برای کشاورزان و بهره برداران

۲- امکان تعمیم روشهای مدیریت توسعه طرح یکپارچه سازی به روستاهای همگن و مجاور

۳- روز بودن و دسترسی آسان به اطلاعات مدیریت طرح

معیارهای اولویت بندی طرح یکپارچه سازی اراضی

فرضیات تحقیق:

۱- چهار عامل در تحقق طرح یکپارچه سازی اراضی موثرند که عبارتند از

الف) عوامل فرهنگی ب) عوامل اقتصادی ج) عوامل اجتماعی د) عوامل فنی و اجرایی

۲- مهمترین عامل بازدارنده در تحقق طرح یکپارچه سازی عامل فرهنگی می باشد.

تعاریف معیارهای اولویت بندی متناسب با فرضیات تحقیق

۱- عامل فرهنگی

۱-۱- باورهای سنتی: پای بندی کشاورزان به حفظ ساختار موجود به عنوان مثال مقاومت در برابر تغییر

وضعیت زمین های موروثی و موقوفه.

۱-۲- سطح سواد: چون به نظر می‌رسید دانش کشاورزان میتواند در پذیرش طرح یکپارچه سازی موثر باشد سطح سواد در طبقات بی سواد تا سیکل، سیکل تا دیپلم، دیپلم تا لیسانس و لیسانس به بالا به عنوان یک معیار مورد بررسی قرار گرفت.

۲- عامل اجتماعی

۱-۲- مالکیت

تغییر مکان استقرار و مساحت زمینهای کشاورزی قبل و بعد اجرای طرح به عنوان یک عامل بازدارنده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- عامل اقتصادی

۱-۳- کاهش هزینه تولید و افزایش درآمد کشاورزان پس از اجرای طرح یکپارچه سازی مورد بررسی قرار می‌گیرد

۴- عامل فنی و اجرایی

۴-۱- ایجاد راهها، کانالها، زهکش ها و بکارگیری ماشین آلات مناسب در اجرای طرح

۴-۲- تحویل به موقع اراضی یکپارچه سازی شده به کشاورزان

ادبیات و پیشینه تحقیق :

سختی و صعوبت کار نیروی انسانی و عدم استفاده صحیح از منابع از مشخصات اراضی سنتی شالیزاری است و دگرگونی و تغییر اساسی این عرصه به بستری نوین تحت عنوان "تجهیز، نوسازی و یکپارچه سازی اراضی" نیازمند است. به بیانی دیگر تجهیز و نوسازی و یکپارچه سازی اراضی عبارت از عملیات عمرانی است که در آن اراضی سنتی با اشکال هندسی منظم آرایش می‌یابند و با تسطیح، احداث جاده های دسترسی، احداث کانال های آبیاری و زهکشی و تجمع قطعات پراکنده، شرایط مناسب برای استفاده بهینه از منابع آب و خاک و نیروی انسانی فراهم می‌آید (توسلی، محمدرضا ۱۳۷۸).

پیشینه تاریخی توسعه کشورهای پیشرفته حاکی از آن است که بخش کشاورزی در مراحل اولیه فرایند توسعه اقتصادی نقش مهمی را جهت نیل به اهداف توسعه ایفاء نموده است. کشورهای پیشرفته جهان با وجود اختلاف در سیستم های حکومتی، ارزش ها، ایدئولوژی ها، اعتقادات و نظام اقتصادی در راستای انتخاب راهبردهای مختلف چون نوسازی و دگرگون سازی، مخالف شیوه های بهره برداری قطعه ای بوده اند، و برای حل این معضل در راستای تحقیقات انجام شده، توسعه و مدیریت روستایی، فرایند اصلاحات اراضی و سرانجام یکپارچه سازی و تجهیز اراضی را یک ضرورت دانسته و بدان اقدام کرده اند.

برنامه های یکپارچه سازی اراضی زراعی در اروپای غربی باروش های مختلف به صورت یک حرکت فراگیر از قرن شانزدهم آغاز گردید و از جنگ جهانی دوم به بعد با شدت بیشتری روبه

روگردید. و تا سال ۱۹۸۰ در اغلب کشورها فرآیند یکپارچه سازی اراضی تقریباً شروع شده و هنوز ادامه دارد (Castro, J. C. & etal, 2001).

در کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق با توجه به مبانی ایدئولوژیک مشترک قبل از فروپاشی مارکسیسم و کمونیسم، مدیریت و سازماندهی در ساختار توسعه صنایع و اراضی کشاورزی دارای وجوه مشترک بودند، ولی بدلیل اختلاف در اندیشه ها و نظرات سیاسی رهبران سیاسی الگوهای سیاسی - اقتصادی شوروی سابق با سایر متحدانش یکسان نبود تا آنجا که در شوروی سابق با تفکر جلوگیری از پراکنش و خرد شدن اراضی، زمین ها ملی اعلام گردید و سازماندهی اراضی در اشکال مختلفی چون آوزها، کمون ها، مزارع جمعی سازماندهی شدند، بدین ترتیب فرآیند یکپارچه سازی و ساختار فضایی زراعی در قالب تعاونی و مزارع بزرگ پدیدار شد.

در چک و اسلواکی نیز از سال ۱۹۱۹ اولین حرکت در جهت تغییر ساختار اراضی زراعی با اصلاحات اراضی آغاز گردید. سازماندهی اراضی زراعی به صورت دولتی، اشتراکی و در بخش های میانی و شرقی به صورت بهره برداری های خصوصی شکل گرفتند. در لهستان برخلاف سایر کشورهای اروپای شرقی، ابتدا تحول ساختار فضایی اراضی متأثر از برنامه های مرکزی نبوده تا جائیکه ساختار غالب را بهره برداری کوچک و خرد تشکیل می داد، لیکن به علت مشکلات خدمات رسانی و بالابودن هزینه های ماشین آلات و، حمایت از تعاونی های تولید در راستای سیاست های دولت قرار گرفت و بالاخره در سایر کشورهای اروپای شرقی همانند مجارستان، بلغارستان، رومانی، یوگسلاوی سابق تشکیل تعاونی پس از اصلاحات اراضی و یکپارچه سازی در سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۲ از شتاب خوبی برخوردار گردید. (منوچهر احمد هاشمی، ۱۳۶۲)

فرآیند یکپارچه سازی اراضی زراعی در کشورهای چون آمریکا، کانادا و ژاپن همگام با رشد و توسعه نظام سرمایه داری در راستای صنعتی شدن ضروری تشخیص داده شد. در آمریکا تا سال ۱۹۴۰ ساختار فضایی زراعی به صورت بازو گسترده بود و با مکانیزه شدن این بخش به استمرار و گسترش بهره برداری ها کمک فراوانی شد.

در کانادا، نیز فرآیند یکپارچه سازی اراضی با تصویب قانون بازسازی و توسعه کشاورزی در سال ۱۹۶۱ و قانون توسعه کشاورزی در سال ۱۹۶۵ مورد توجه قرار گرفت تا جائیکه طی سالهای ۱۹۷۲-۱۹۶۵ در بیش از ۱۲۱ هزار هکتار از اراضی یکپارچه سازی صورت گرفت.

در ژاپن نیز سازماندهی مجدد فضای زراعی و تغییر ساختار کشاورزی که از قرن هفدهم آغاز شده بود در سه مرحله تاریخی با توجه به نیازهای جامعه، ساختار حکومت و سیاست ها جنبه اجرایی و تکاملی به خود گرفت. فرآیند یکپارچه سازی که کشورهای کمتر توسعه یافته و یا در حال توسعه به لحاظ وضعیت جغرافیایی، میزان رشد اقتصادی و توسعه صنعتی از پیشینه کمتری برخوردار است ولی بدلیل بالابودن میزان جمعیت روستائی و محرومیت و فقر شدید، بیکاری، تورم که از مشکلات این کشورها می باشد یک ضرورت انکار ناپذیر به نظر می رسد. در این کشورها فرآیند

یکپارچه سازی هنوز مراحل اولیه تکوین خود را می گذراند و در اغلب این کشورها هنوز ساختار فضایی اراضی زراعی سنتی شکل غالب دارد.

هنداز کشورهایی است که تغییر ساختار اراضی زراعی را از دوره اسکندرتاکنون تجربه کرده است و انجام فرآیند یکپارچه سازی اراضی در این کشور از یک پیشینه تاریخی حدود یک قرن برخوردار است.

در تایوان ساختار فضایی اراضی به لحاظ کوچک بودن و جزیره بودن و نیز شرایط طبیعی، اراضی خرد و کوچک را شکل داده است. با شروع برنامه های اقتصادی جدید و توسعه صنعت و نیاز این بخش به نیروی انسانی از یکسو و به جهت ارتباط تنگاتنگ صنعت و کشاورزی افزایش تولید از سوی دیگر، لزوم یکپارچه سازی اراضی احساس گردید و با انجام اصلاحات اراضی در سال ۱۹۴۹ زمینه های تغییر ساختار کشاورزی با انجام طرحهای یکپارچه سازی بیش از پیش فراهم گردید.

در کره جنوبی نیز ساختار فضایی اراضی زراعی از سال ۱۹۵۰ با انجام اصلاحات اراضی آغاز گردید و با شروع نخستین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی ۱۹۶۶-۱۹۲۲ رشد و توسعه کشاورزی از شرائط گریزناپذیر رشد و توسعه ملی شناخته شد.

در سایر کشورها چون تایلند، پاکستان، ایران، مصر، مالزی، فیلیپین، برزیل، شیلی، چین، کنیا، و الجزایر تغییر ساختار فضایی اراضی زراعی در قالب سازماندهی تعاونی صورت پذیرفته است. و بدین ترتیب مشکلات ناشی از پراکنش اراضی زراعی و تعدد صاحبان اراضی از طریق فرآیند یکپارچه سازی تا حدودی برطرف شده است. (منو چهر احمد هاشمی، ۱۳۶۲)

روش تحقیق :

روش تحقیق در این بررسی شامل مراحل زیر می باشد:

- اطلاعات پیرامون ادبیات پیشینه طرح و کلیات آن به روش کتابخانه ای و با تکیه بر مستندات موجود در سازمان های اجرایی و پژوهشی به ویژه سازمان جهاد کشاورزی تهیه شده است.

- اخذ اطلاعات محیطی بصورت پیمایشی (میدانی) همراه با بازدیدهای مکرر از منطقه اجرای طرح یکپارچه سازی (روستای گلیرد جویبار) و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام شده است. بدین منظور از ۳۶۵ بهره بردار که طرح یکپارچه سازی در اراضی کشاورزی آنان به اجرا درآمده بود، بصورت تصادفی و با استفاده از روش کوکران (Cocran)، ۵۰ بهره بردار انتخاب و مورد پرسش واقع شدند.

- از آنجا که هدف پژوهش اولویت بندی موانع اصلی اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی بوده است، یافته های پرسشنامه که همان دیدگاهها و اظهارات بهره برداران پیرامون طرح بوده است

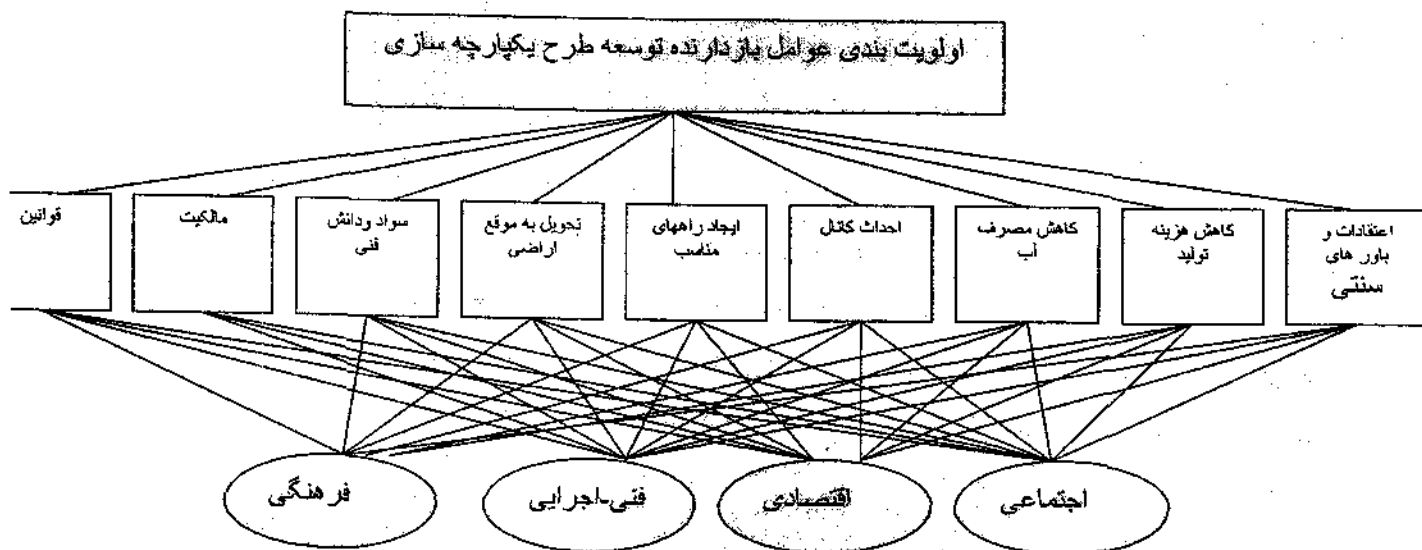
با استفاده از تکنیک AHP (تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی) که یک روش تصمیم‌گیری گروهی در محیط‌های پیچیده می‌باشد مورد ارزیابی و پردازش قرار گرفته است. همانطور که می‌دانیم درکنش متقابل بین افراد در تصمیم‌گیری‌ها ممکن است کیفیت تصمیم‌گیری افزایش یا کاهش یابد، لذا تصمیم‌گیری عقلایی همراه با سیستم کنترل به منظور تصمیمات سیستماتیک، دقیق و جامع نیاز به روش‌هایی دارد که تصمیمات به بهترین طریق ممکن صورت گیرد (Peter s 2005).

روش‌های گوناگونی جهت تصمیم‌گیری گروهی مثل روش دلفی و تکنیک گروه اسمی و توفان مغزی، بسیاری از مسائل و مشکلات تصمیم‌گیری‌های گروهی را حل کرده است. اما به لحاظ هزینه و زمان زیادی که هر یک از این روش‌ها به همراه دارند تکنیک AHP به سبب پیچیدگی محیط‌های تصمیم‌گیری در دنیای واقعی تا حد زیادی مشکلات روش‌های قدیمی را حل نموده است. (اسدیپورو پیکانی ۱۳۷۹).

این روش اولین بار توسط توماس ال. ساعتی از کشور عراق ابداع شده است در این روش که اساس آن بر تشکیل درخت سلسله‌مراتبی تصمیم‌گیری است، هر مسئله تصمیم‌گیری را می‌توان در قالب یک درخت طراحی نمود، سطح اول این درخت، هدف تصمیم‌گیرنده را نشان می‌دهد و معمولاً اولویت‌گذاری گزینه‌های رقیب برای دسترسی به یک هدف است، سطح یا سطوح میانی نشان‌دهنده ملاک‌ها و معیارهای مورد نظر برنامه‌ریزان برای دسترسی به هدف در سطح یک است و سطح آخران گزینه‌های در دسترس برای دستیابی به هدف را نشان می‌دهد (اسدیپورو، پیکانی ۱۳۷۹). در این مقاله ساختار درخت سلسله‌مراتبی تصمیم‌گیری به شکل زیر بوده است، در این ساختار سطح اول که هدف اصلی است، اولویت‌بندی موانع و عوامل بازدارنده توسعه و اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی می‌باشد.

سطح دوم آن ملاک‌ها و معیارهای اساسی تاثیرگذار روی طرح یکپارچه‌سازی می‌باشد که شامل مقررات و قوانین، مالکیت، سطح سواد، انتقال به موقع زمین‌های یکپارچه‌سازی شده به کشاورز، ایجاد راه‌های بین مزارع، کانال‌های بین مزارع، کاهش هدر رفت آب، اعتقادات و باورها و هزینه تولید بوده است. در سطح آخر این درخت تصمیم‌گیری گزینه‌های مهم که از دسته بندی معیارها در سطح دوم بدست آمده است قرار دارد که شامل مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی، مسائل اقتصادی و مسائل فنی و اجرایی می‌باشد در این مقایسه سعی شده است اولویت‌بندی میان این عوامل صورت گیرد. تا برنامه‌ریزان و مجریان طرح یکپارچه‌سازی ضمن شناسایی اولویت‌های بازدارنده طرح، در جهت رفع آنها با توجه به بودجه و منابع در دسترس اقدام نمایند.

ساختار کلی این درخت تصمیم‌گیری به شکل ذیل است



پس از تهیه درخت سلسله مراتبی تصمیم به منظور اولویت بندی عوامل بازدارنده طرح یکپارچه سازی کشاورزی عملیات ریاضی AHP را در محیط نرم افزاری Decisionplus دنبال کردیم. بر این اساس از سطوح پائین به سمت بالا گزینه های موثر در سطح ۳ با در نظر گرفتن هر یک از معیارها در سطح ۲ مورد مقایسه دوجه دوقرار می گیرند. این مقایسه با استفاده از مقیاسی که توسط توماس ال. ساعتی ارائه شده است صورت گرفته است که دامنه تاثیرگذاری هر یک از معیارها نسبت به گزینه ها در پنج طبقه بحرانی (۱)، خیلی مهم (۲)، مهم (۳) کم اهمیت (۴) و ناچیز (۵) قرار می گیرد (جدول شماره ۱ ضمیمه). بر این اساس نتایج اولویت بندی گزینه های اساسی از مدل استخراج شده است.

نتایج و بحث :

بررسی موانع اصلی اجرا و توسعه طرح یکپارچه سازی اراضی در روستای گلبرد شهرستان جوپار نشان داد که بر اساس معیارهای تعریف شده و اهمیت آنها بر اساس دیدگاه و نظر کشاورزانی که در طرح یکپارچه سازی شرکت داشتند از چهار مولفه ی مورد بررسی (مسائل فرهنگی، مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی، مسائل فنی و اجرایی) مسائل فرهنگی به عنوان بازدارنده ترین عامل تعیین شده است و عوامل اجتماعی، فنی و اجرایی و اقتصادی به ترتیب در اولویت های بعدی قرار دراند. (نمودار ۱)، همچنین سهم معیارها روی عوامل بازدارنده در نمودار شماره ۲ ضمیمه آورده شده است.

در این راستا معیارهای عمده ی تاثیرگذار در مسائل فرهنگی شامل سطح سواد و متعاقب آن عدم برخورداری از دانش فنی و آگاهی های به هنگام و همچنین پای بندی به برخی باورها و اعتقادات

سنتی می باشد این نتیجه بار دیگر عدم توسعه مکانیزاسیون در بخش کشاورزی را ناشی از یائین بودن دانش فنی و فرهنگ های سنتی و در پی آن عدم پذیرش روش های نوین توسط کشاورزان می داند. در بحث مالکیت ها دو عامل عمده در عدم پذیرش طرح یکپارچه سازی موثر است که یکی تغییر موقعیت مکانی زمین ها بعد از عملیات یکپارچه سازی و دیگری تغییر مساحت زمین می باشد که از اهمیت بالایی برخوردار می باشد و به عنوان مسائل اجتماعی دومین اولویت در میان عوامل بازدارنده مطرح می باشد عدم تحویل به موقع اراضی یکپارچه سازی شده به کشاورز یکی دیگر از موارد قابل توجه در اظهارات کشاورزان بوده است که ناشی از ساختار فنی - اجرایی نامناسب موجود در سیستم اجرایی می باشد و در نتیجه تاخیر در زمان کشت و حتی در بعضی مناطق تعطیل کشت در یکسال زراعی را به دنبال داشته است این امر از یکسو محصول نظام بوروکراسی اداری و از سوی دیگر مجهز نبودن پیمانکاران و مجریان به ماشین آلات و تجهیزات فنی مناسب می باشد. از این رو موقفه فنی - اجرایی به عنوان سومین اولویت بازدارنده در امر یکپارچه سازی شناخته شده است. اما نتایج عملی طرح یکپارچه سازی در روستای گلیرد گویای این است که پس از اجرای عملیات یکپارچه سازی و مشاهده نتایج اقتصادی (کاهش هزینه و افزایش درآمد) کشاورزان متعلقه از اجرای طرح از دیدگاه اقتصادی رضایت دارند.

پیشنهادات :

- ۱ - با توجه به نتایج بدست آمده از مدل AHP، مهمترین اولویت های بازدارنده در مسیر توسعه طرح یکپارچه سازی، مسائل فرهنگی و اجتماعی می باشد که محصول سطح سواد پایین و به تبع آن عدم برخورداری از دانش فنی لازم و برخی باور ها و اعتقادات سنتی می باشد. لذا آموزش جهت اصلاح و بهبود این ساختار فرسوده در کنار ترغیب کارشناسان جوان بخش کشاورزی برای فعالیت در این عرصه، ضمن ایجاد بسترهای مناسب برای آنان می تواند تا حدود زیادی مسیر توسعه کشاورزی مکانیزه را تسهیل نماید.
- ۲ - با توجه به اینکه سرمایه گذاری در امور زیر بنایی بخش کشاورزی، یکی از مهمترین زمینه های توسعه در این بخش میباشد و از آنجا که سرمایه گذاری در یکپارچه سازی اراضی سنتی دارای توجیه اقتصادی و بازدهی زود هنگام می باشد، لزوم افزایش سرمایه گذاری در این بخش بیش از پیش احساس می شود.
- ۳ - گسترش و توسعه طرح یکپارچه سازی، نیازمند تعامل بیشتر کشاورزان و سازمانهای اجرایی می باشد. در این راستا آموزش جامعه کشاورزی در جهت پذیرش فناوری به هنگام بخش کشاورزی، ضرورتی اجتناب ناپذیر به شمار می رود که جهت تحقق آن اجرای برنامه های ترویجی آموزشی، توسط سازمان جهاد کشاورزی، صدا و سیما و سایر رسانه ها می تواند منشا اثر باشد.

- ۴- تصویب و تدوین قانونی منسجم که در برگیرنده اهداف طرح یکپارچه سازی باشد، جهت هموار کردن مسیر اجرایی طرح می تواند موثر باشد.
- ۵- تجهیز سیستم های اجرایی (ماشین آلات و تجهیزات فنی) و همچنین تسهیل فرآیند اعطای وام به کشاورزان و کم کردن بوروکراسی اداری می تواند گسترش اجرای طرح یکپارچه سازی را از سرعت بیشتری برخوردار نماید.

منابع و مأخذ:

- ۱- افتخاری، ع. (۱۳۷۵)، زمینه های انجام فرآیند یکپارچه سازی اراضی زراعی در جهان با تاکید بر ایران. مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران (جلد اول)، دانشکده کشاورزی زابل.
- ۲- بی نام، (۱۳۷۲)، بررسی وضعیت پراکندگی قطعات زیر کشت برنج، وزارت کشاورزی، اداره کل آمار و اطلاعات، نشریه شماره ۲۰.
- ۳- بی نام، (۱۳۷۴)، تجهیز و نوسازی و یکپارچه سازی اراضی شالیزاری در مازندران (فوائد و تنگناها)، سازمان جهاد کشاورزی مازندران، مدیریت آب و خاک.
- ۴- بی نام، (۱۳۷۷)، طرح تجهیز و نوسازی و یکپارچه سازی شالیزارها، وزارت کشاورزی، اداره کل تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی، نشریه شماره ۲.
- ۵- توسلی، م، (۱۳۷۸)، بررسی تاثیر عملیات نوین تجهیز و نوسازی و یکپارچه سازی اراضی در شالیزار های سنتی استان مازندران بر عملکرد تولید برنج، پایان نامه فوق لیسانس مرکز آموزش مدیریت دولتی منطقه شمال.

6- Castro. J. C. & etal. (2001), A systems approach for the estimation of the effects of land consolidation projects(LCPs):a model and its application Agricultural systems Vol. 68: 179-195.

Available online at www.sciencedirect.com

7 - Gajendra S. & etal., (2005), Impact and causes of land fragmentation, and lessons learned from land consolidation in South Asia Available online.

8- Peter S., (2005). "Applying evaluation criteria for the land consolidation effect to three contrasting study areas in the Czech republic"

At www.sciencedirect.com

9- Rafael C. & etal., (2002), Economic, social and environmental impact of land consolidation in Galicia Land use policy Vol. 19: 135-147.

10 - Ziping WU. & etal.,(2005), Land consolidation and productivity in Chinese household crop production China economic review vol. 16: 28-49.

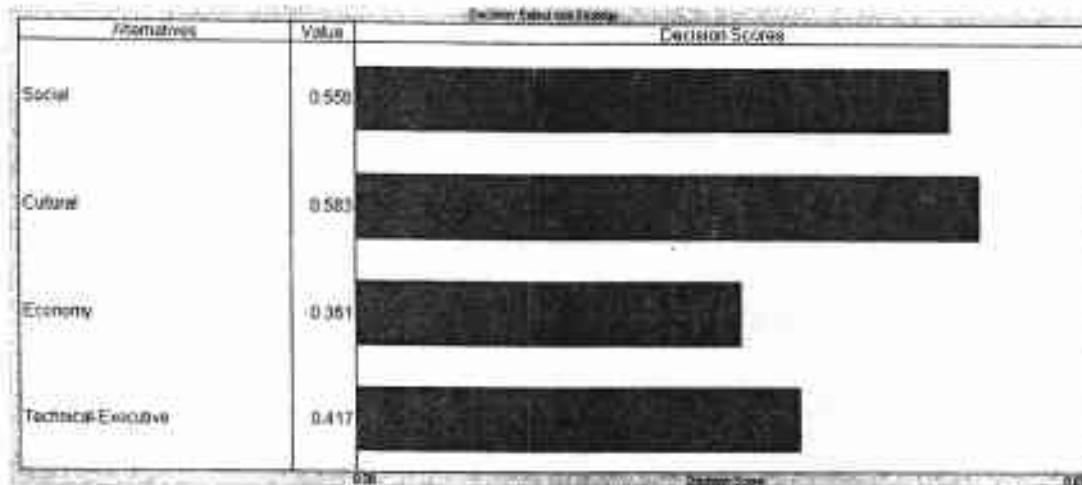
ضمائم:

جدول (۱)- ارزش گذاری اثرات معیار های مختلف موثر در طرح یکپارچه سازی بر اساس مقیاس توماس. ال. ساعتی

عوامل اصلی	مقیارها	کوانتین	مالکیت	مواد و دانش فنی	تحول به مواقع اراضی	ایجاد راههای مناسب	ایجاد کانال های مناسب	کاهش مصرف آب	بهره‌ما عقلات سنی	کاهش هزینه تولید
اجتماعی		۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۲	۳
فرهنگی		۳	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۱	۴
اقتصادی		۴	۳	۴	۲	۴	۴	۳	۵	۱
فنی - اجرایی		۳	۴	۴	۲	۲	۲	۲	۵	۴

بحرانی: ۱ خلی مهم: ۲ مهم: ۳ کم اهمیت: ۴ ناچیز: ۵

نمودار شماره ۱- اولویت بندی عوامل بازدارنده در طرح یکپارچه سازی



نمودار شماره ۲- سهم هر یک از معیارهای عوامل بازدارنده

